

درد به کارگران قهرمان ایران

کار ، بیمه اجتماعی ، حق تجمع در اتحادیه‌های کارگری فقط کلماتی بر روی کاغذ است و وسیله‌ای برای تبلیغات رژیم . طبقه کارگر کشور ما که اینهمه قصور زیبا برای صاحبان زر و زور میسازد خود در زلفه‌های تاریک و ناپایم زیست میکند ، طبقه کارگر که نعم مادی زائیده رنج و زحمت او است خود در بینوائی و گرسنگی زندگی میگذراند ؛ دستبزد ناچیز او حتی کفاف لقمه نان خالی را نیز نمیدهد ؛ در کشوری که بر طبق آمار رسمی برای زندگی یک خانواده کوچک ، ماهیانه یک هزار تومان بزمعت کفاف میدهد ، اکثر کارگران بیش از دست و پنجه تومان مزد نمیگیرند . دستبزد طبقه کارگر ایران یکی از پائین ترین دستبزد ها در دنیای سرمایه داری است . همین دستبزد ناچیز نیز بر اثر وجود ارتش بیگاران که صفوف آنها پیوسته با مهاجرت دهقانان به شهر فروزی میگردد ، همواره کاهش مییابد . هنوز طبقه کارگر ایران به دستور ساختن قانون هشت ساعت کسار توفیق نیافته است . رژیم کودتا تمام دستاوردهای گذشته این طبقه را که به بهای مبارزات طولانی و خونین بدست آمده بود از وی ربوده است ؛ ساعات کار روزانه طبقه کارگر در ایسران تابع هوئی و هوس کارفرماست و در غالب اوقات به ۱۲ ساعت در روز و بیش از آن نیز میرسد . دستبزد ناچیز ، ساعات زیاد کار روزانه ، درجه استثمار طبقه کارگر ایران را بخوبی نشان میدهد . اما رژیم ضد کارگر شاه هنوز به این درجه از استثمار قانع نیست و در پی آنست که بر شدت استثمار بیفزاید . قانون " سهم کردن کارگران در سود کارخانه " یا قانون " مشارکت کارگران در سهام کارخانه " از همین نیت پلید می تیرد . از همه شکفت انگیز ترین طبقه کارگر ایران علی رقم زندگی طاقت فرسا و استثمار غیر انسانی از حق اعتصاب محروم است . تهران اکنون بیست . این شیور گوش خراش بورژوازی بزرگدستی و خارجی بر آنست که " حق اعتصاب یک امر ضد دموکراسی است " . البته در کشوری که مردم آن از بقیه در صغحه ۲

جشن اول ماه مه ، روز بین المللی کارگران فرا میرسد . اول ماه مه ، روز اتحاد و همبستگی پرلتاریای جهان در مبارزه با بورژوازی است ، در مبارزه بخاطر رهائی دها و صد هاملین زحمتکش از گرسنگی و بینوائی و ستم دیگری است . در این مبارزه دو جهان در برابر هم ایستاده است ؛ جهان سرمایه و جهان کار . جهان بهره‌کشی و بردگی و جهان برادری و برابری . (لنین)

در کشورهای سوسیالیستی چین و آلبانی طبقه کارگر دها سال است که نیروهای اهریمنی استثمارگر را سرنگون ساخته و دیکتاتوری پرلتاریا را مستقر ساخته است ؛ سالها است که استثمار از جامعه آنها رخت بر بسته است . طبقه کارگر در پیشاپیش خلق زحمتکش اکنون دستاوردهای تازه و تازه تر خود را در ساختمان سوسیالیسم ، در حفظ و تحکیم دیکتاتوری پرلتاریا ، در مبارزه بخاطر جلوگیری از بازگشت سرمایه داری جشن میگیرد .

در جهان سرمایه ، مبارزه طبقه کارگر علیه انحصارها و دولتهای سرمایه داری بخاطر دفاع از حقوق خود اوج میگردد و بورژوازی چنانکه ماهیت او است میکوشد نتایج حاصل از بحران اقتصادی را که " بحران انرژی " بدان جدت بخشیده بر دوش طبقه کارگر بگذارد و در این کوشش سران و گردانندگان اتحادیهها و روزیونیست ها یار و یاور وی اند . اعتصابات عظیم طبقه کارگر در کشورهای مختلف سرمایه داری و بیرونیهای آنها در حفظ حقوق خویش و مقابله آنها با مساعی سران اتحادها ها و روزیونیست ها نشانه آنست که مبارزه طبقه کارگر تنها در شکل اقتصادی بلکه در اشکال سیاسی آن نیز شدت مییابد و دامنه وسیعتری میگردد .

جشن اول ماه مه در زمانی برگزار میشود که در کشور بلادیده ما کابوس استبداد و فاشیسم همچنان مسلط است . طبقه کارگر از کبی " حقوق اجتماعی خویش محروم است ؛ قانون

توفان

۸۰ دوره سوم

ارگان سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

شاه و ملی شدن صنعت نفت در ایران

به فرمان شاه از این پس جشن ۲۹ اسفند ، روز ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور موقوف میشود و روز ۹ مرداد روز انعقاد آخرین قرارداد ننگین با کمیسریوم جای آنرا میگردد . شاه که کم کارش بدیوانگی کشیده چنین می پندارد که با امروفرمان میتوان تاریخ را تغییر داد ، ننگ راجبای افتخار نشانید ، روز سیاهی راجبای روزتابناکی جشن گرفت .

روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ برای مردم میهن ما روزی افتخاری است ، روزی است که در تاریخ مبارزات خلق های ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی با خطوط زرین ثبت شده است . در این روز خلق ایران با مبارزات طولانی بی گیر سرسخت خود علیه امپریالیسم انگلستان و مهمترین مظهر سلطه آن ، شرکت نفت جنوب ، مجلس ایران را وارد ارساخت قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور را تصویب کند . قانون ملی شدن صنعت نفت شمره ده هاسال مبارزه علیه امپریالیسم انگلستان بود . امپریالیسم انگلستان از زمانی که نفت جنوب را در اختیار گرفت ، برای حفظ وفارت آن از هیچ جنایتی روی نگردانید . تاریخ بیگار مردم ایران علیه شرکت نفت با خون ده هاسال و نغز مردم میهن مانگاشته شده است ؛ تاریخ بیگار مردم ایران علیه شرکت نفت شاهد کودتاهای نظامی ، قتل های سیاسی و فساد و رشوه خواری ها است . نفت ایران ، این ثروت عظیم بجای آنکه در خدمت رفاه و آسایش خلق های میهن ما باشد ، عامل اسارت و سیه روزی آنها گردید . تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و سپس اجرای آن در زمان دولت دکتر صدق به سلطه امپریالیسم انگلستان در ایران پایان داد و به آرمان دین خلق ایران تحقق بخشید .

مبارزات مردم ایران در سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ که به تصویب قانون ملی شدن نفت و برجیدن پایگاههای اقتصادی مهم امپریالیسم انگلستان انجامید ، الهام بخش خلق های دیگری و بویژه خلق های خاورمیانه و نزدیک گردید . پیروزی مردم ایران میتوانست برای کشورهای نفتخیز دیگر نمونه و سرمشق قرارگیرد و سلطه امپریالیسم را در کشورهای دیگر در مخاطره افکند . امپریالیسم در آغاز کوشید با تهدید و تطمیع وضع گذشترا بازگرداند . بادست شاه در توشیح و اجرای قانون موانعی تراشید ، علیه دولت دکتر صدق توطئه ها برآورد انداخت ولی از اینراه طرفی نیست ؛ آنگاه به تدارک کودتا پرداخت تا دولت دکتر صدق را ساقط کند " دولت عاقلتری " بر سر کار آورد و سلطه خود را دوباره بر منابع نفت ایران بگستراند .

امپریالیسم آمریکا با صرف ۱۹ ملیون دلار نقشه کودتا را بمرحله اجرا گذاشت ، " دولت عاقلتر " زاهدی را بر مسند قدرت نشانید ، شاه فراری را به تخت سلطنت بازگردانید ، نهضت ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق های ایران را وحشیانه در خون غرق کرد و سرانجام در شرایط ترور و اختناق شدیدی قرارداد خائنانه ۱۳۳۳ را از تصویب مجلس گذرانید . قانون ملی شدن صنعت نفت پایمال گردید ، منابع نفت جنوب دوباره بدست امپریالیسم افتاد و شمره ده هاسال مبارزه مردم ایران با بار دیگر از دست رفت . اگر در گذشته منابع نفت مادریستند در دست امپریالیسم انگلستان بود اکنون امپریالیسم آمریکا نیز که انحصارهای نفتی آن ۴۰ درصد از سهام شرکت نفت جنوب را در اختیار گرفته بودند نخستین پایگاه نفتی خود را در ایران بدست آورد . بقیه در صغحه ۲

بحران انرژی و انحصارهای نفتی

های نفتی بلکه تعداد زیادی از صاحبان موسسات صنعتی و تجاری دست داشته اند که بهیانه بحران نفت قیمت محصولات خود را افزایش داده و بطور بیجا بقای سود بردند . اخیرا دوازده شرکت نفتی ژاپن که امر پالایش و توزیع نفت وارداتی را در اختیار دارند و ۹۰ درصد بازار ژاپن زیر نظارت آنها است تحت تعقیب قرار گرفته اند .

در ایالتیلا دستور تعقیب و بازداشت برخی از رؤسای شرکت های نفتی از هم اکنون صادر شده است . تعدادی از وزرای کابینه ائتلافی ، وزرای وابسته به محافل صنعتی و مالی که از ۱۹۶۷ به بعد اقداماتی بسود انحصارهای نفتی بعمل آوردند مورد اتهام قرار گرفته اند . بر اثر این اقدامات کمپانیهای نفتی سودی اضافی برابر ۲۰۰ میلیارد لیر ایالتیالیایی بدست آوردند که ده میلیارد آن بحساب احزاب سیاسی مؤلفر ریخته شده است .

در فرانسه و آمریکا وضع بر همین منوال است . ولی چه کسی نمیداند که برای رسیدگی ها و تعقیب ها هیچ نتیجه ای مترتب نمیکرد . انحصارهای نفتی آنچنان نیرومندند و آنچنان دولتهای بورژوازی را میگردانند که تعقیب و محکومیت آنها با دست دولتهائی که وابسته به آنها و نماینده منافع آنها است امکان پذیر نیست . لنین خاطر نشان میسازد که در سرمایه داری انحصاری کار ابراهامورد بدست ارتش عظیمی از کارمندان متعزک شده است و " آنهائی که در راس این ارتش قرار دارند بوسیله سهام یا از راه بانکها کاملا به سرمایه مالی وابسته اند ، آنها تا درجه ای عمال سرمایه مالی اند نمایندگان منافع و نفوذ آنها " .

این نکته هم روشن است که افزایش بهای نفت و فرآورد های آن ارتباطی با کشورهای تولید کننده نفت ندارد . ایسران افزایش ناشی از سه عامل است ؛ حرص و ولع انحصارهای نفتی در تحصیل سود حد اکثر ، مالیاتهای سنگین دولت های صحر کننده که ۶۰ تا ۷۰ درصد بهای نفت است . بالاخره پدیده تورم در کشورهای صنعتی . چنانچه کمپانیهای نفتی اندکی از آرزود خود بکاهند (که نمیتوانند) و بقیه در صغحه ۲

ماهها است در سراسر جهان صحبت از " بحران انرژی " است و قیمت نفت و فرآورده های آن بسرعت بالا میرود . در آغاز اینطور وانمود کردند که بحالت تحریم و تحلیل تولید توسط کشورهای عربی دنیای صنعتی گرفتار کمبود نفت است و نیاز مند بهای نفتی دیگر مانند پیش نمیتواند برآورده شود . در نتیجه کشورهای صنعتی با مشکلاتی مواجه گردیدند ؛ تبلیغات همی علیه اعراب برآورد . تصویر شیخ عرب که در اتومبیل کادیلاک زرین نشسته در حالی که مردم اروپا از سرما میلهزند هنوز در خاطرها است . اما امروز بردها بالا رفته و هیچ کس نمی بیند که آنچه که " بحران انرژی " نامیده میشود بحران مصنوعی است بدست کمپانی های نفتی بوجود آمده با این منظور که سود های کلانی تحصیل کنند . " بحران انرژی " بحران واقعی نیست ؛ بحران است ساختگی ، زائیده نمایالت انحصارهای بزرگ نفتی برای بدست آوردن سود حد اکثر . انحصارهای نفتی نفت را احتکار کردند ، تصفیه و توزیع آنرا تقطیل دادند تا بتوانند قیمت ها را بد لخواه خود افزایش دهند و در مواردی نیز بازار سیاه نفت بوجود آورند . نظری به سود های هنگفت کمپانیهای نفتی بویژه پس از بروز " بحران انرژی " شاهد بر این امر است .

کمپانی بریتیش پترولیوم در سال ۱۹۷۳ سود خالصی برآورد ۲۴۰ ملیون لیره انگلیسی داشته است که نسبت به سال گذشته ۳۷۰ درصد افزایش نشان میدهد . قدری گل شعبه " فرانکو " همین کمپانی نفتی در جواب روزنامه نگاران اعتراض کرد که کمپانی ها بر اثر وجود تکامل قیمت ها در بازار بین المللی در ماه های اخیر سود های سرشاری بردند .

در ژاپن اکنون معلوم شده است که در نیمه دوم سال ۱۹۷۳ ، درست در همان زمانی که تحریم و تقطیل تولید نفت توسط کشورهای تولید کننده صورت گرفته . واردات نفت نسبت به نیمه اول نه تنها کاهش نیافته بلکه قریب ۲۰ درصد فزونی داشته است ؛ همچنین معلوم میشود که در ایجات سراسریکی نسبت به کمبود نفت و در نتیجه افزایش قیمت آن نه تنها انحصار

یاری رسان ، نیرو بده توفان را

خجسته باد روز اول ماه مه ، روز اتحاد و همبستگی کارگران جهان !

بحران انرژی ... بقیه از صفحه ۱ دولتهای کشورهای مصرف کننده مالیات بر نفت را اندکی تخفیف دهند (که نمیتوانند) نفت به بهای سابق در دسترس قرار خواهد گرفت. افزایش بهای نفت مانند افزایش کلبه محصولات دیگر از ماهیت رژیم سرمایه داری بیرون میآید، رژیی که طبقه حاکمه آن تمام بار ننا بیج و زیانهای ناشی از بحران اقتصادی را که خود معلول هرج و مرج تولید است بر دوش توده های زحمتکش میگذارد.

در ارتباط با "بحران انرژی" این موضوع نیز بسیار آید که خطر پایان یافتن فوری نفت سراسر جهان را تهدید میکند و انصاف گوید رشف محروم ماندن از این منبع انرژی است. این موضوع نیز در حال حاضر در انطباق با واقعیت نیست. البته ذخایر نفت و گاز جهان روزی به پایان خواهد رسید ولی ذخایر نفتی که کشف شده اند برای چند ده سال دیگر کفایت میکنند. بنا بر تخمین یک اقتصاددان آمریکائی ذخایر نفت جهان به ۴۰۰ میلیارد بشکه بالغ میگردد و در صورتیکه تولید نفت با آهنگ کنونی پیش رود کفاف نیازمند بهایی ۶۰ سال دیگر جامعه بشر را خواهد داد. روزنامه وال استریت وابسته به محافل اقتصادی آمریکا مینویسد که ممکن است "ذخایر ده برابر ذخایر امروزی کشف شده باشد ولی با قیمت های کنونی بهره برداری از آنها صرف نمیکند" و "در صورتیکه قیمت نفت تا ۵ دلار برای هر بشکه بالا رود جهان بطور وسیع میتواند نفت در دسترس خود داشته باشد". کمپانیهای نفتی رقم واقعی ذخایر نفت را پنهان میدارند تا در فرصت های مناسب بتوانند از آن سود خویش بهره گیرند.

با اینکه در حال حاضر ذخایر نفت و گاز به اندازهای است که خطری برای جهان در بر نبرد ولی کمپانیهای نفتی از چندین سال به اینطرف به منابع دیگر انرژی روی آورده اند. آنها در پی آنند که در آینده تسلط خود را بر منابع انرژی همچنان حفظ کنند و آنچه در درجه اول مورد توجه آنهاست، انرژی اتنی است. هم اکنون بعضی از آنها در چنان موقعیتی قرار دارند که میتوانند در بهره برداری از انرژی اتنی تاثیر بگذارند.

در ۱۹۷۰ هفت شرکت نفتی آمریکائی ۴۸ درصد از منابع شناخته شده اورانیوم را تحت کنترل خود داشته و از آن پس فعالیت خود را در این زمینه گسترش داده اند. گروه دیگری از شرکت های نفتی آمریکائی سوخت مورد نیاز نیروگاه های اتنی را در اختیار خود گرفته اند بطوری که کشورهای اروپای غربی چنانچه تلاش آنها برای رفع وابستگی به آمریکا به نتیجه نرسد برای سوخت نیروگاه های اتنی خود دوباره باید دست نیاز بسوی انحصارهای آمریکائی دراز کنند. برخی از شرکت های نفتی نیز سرمایه خود را در ساختن رآکتورهای اتنی بکار انداخته اند که مستلزم سرمایه گذاری های کلانی است. از اینرو این شرکت ها بتدریج آن نوسانات نفتی خود را که بازده آنها و سود حاصل از آنها در سطح مطلوب نیست می فروشند و سرمایه های خود را در تولید رآکتورهای اتنی بکار می اندازند. این نمونه ای از انتقال سرمایه است از رشته هایی که سودآوری آنها در سطح مطلوب نیست به رشته هایی که سود های فراوانی تولید میدهند.

بحران ساختگی انرژی در ضمن توانست از همان دولتها را از نفت بسوی انرژی اتنی، بسوی آن منبع انرژی که شرکت های نفتی آمریکائی بر آن کم و بیش تسلط یافته اند متوجه گردانند. کمپانیهای نفتی در گذشته با استفاده از غارت ثروت کشورهای نفت خیز و با بازی با قیمت ها توانستند بر بازارهای نفت چنان تسلط یابند، اکنون در تلاش اند منابع دیگر انرژی اتنی را در اختیار خود بگیرند.

کشور ما یکی از تولید کنندگان بزرگ نفت است. شرکت های نفتی سالها است با در دست داشتن منابع نفتی ایران و برای حفظ منابع در دست خود، بر اقتصاد و سیاست کشور ما فرمانروائی داشته اند و اکنون نیز دارند. شاه با انعقاد آخر قرارداد ننگین خود بازم نفت ما را به کمپانیهای نفتی واگذار کرد و اکنون برای توسعه انرژی از همین کمپانیهای نفتی رآکتور های اتنی میخرد و ساختمان نیروگاه های اتنی را به آنها می سپارد تا هم بخشی از ارزش حاصل از درآمد نفت را به آنها بازگرداند و هم در آینده از لحاظ سوخت این نیروگاه ها وابستگی کشور ما به انحصارهای آمریکائی همچنان برقرار ماند. سیاست وابستگی هرچه بیشتر و هر چه طولانی تر میهن ما به امپریالیستها سیاستی است که از ماهیت شاه و طبقه حاکمه ایران می تراود اقدام به ساختمان نیروگاه های اتنی نیز مظهری از این سیاست است.

دردومین کشور نفت خیز جهان

"سرمایه مرگ و میر تهران را افزایش داده ... (کمپان اول دی ۱۳۵۲)

"تولید نفت ایران از ۶ میلیون بشکه نیز تجاوز کرد" (همانجا)

دردومین کشور جهان ... بقیه از صفحه ۱ "دوکراسی" وسیعی برخوردارند، نباید به پدیده های "خود دوکراسی" و از آن - جمله به اعتصاب میدان پرور داد.!! همین جمله پیشنهاد میکند که با تصویب قانونی "باید اعتصاب غیرقانونی تلقی شود" زیرا "وجود چنین قوانینی به اعتماد سرمایه گذاران داخلی و خارجی خواهد افزود". آشکار تر وی بوده تر از این نمیتوان علیه کار و بسود سرمایه سخن گفت! (شماره ۱۰-۱ مورخ ۲ آذر ۱۳۵۲). این مزدوران پست چنین می پندارند که با تغییر قانونی اعلام کردن اعتصاب میتوان کارگران را از اعتصاب بازداشت یا اینکه با سرکوب اعتصاب و کشتار کارگران ممکن است از بروز اعتصابات جلوگیری کرد. این مردمان حتی از واقعیات هم پند نمیگیرند؛ آنها نمی بینند که پس از شهریور ۲۲۰۰ کمتر اعتصابی میتوان یافت که با دست نیروهای انتظامی بخون کشیده نشده باشد. خاطره اعتصاب کارگران جیت سازی جهان هنوز در اذهان باقی است که در آن کارگران اعتصابی به سلسله بسته شدند و ده ای بر خاک افتادند. اما این کشتار بهرمانه از بروز اعتصابات کارگری نمیتوانست جلوگیری کند چنانکه کشتارهای قبل از آن و از آنجمله کشتار کارگران کوره یز خانه از اعتصاب کارگران جیت سازی جلوگیری نکرد. نبرد با سرمایه قانون عینی تکامل تاریخ جامعه سرمایه داری است؛ هیچ نیرویی، هیچ اقدامی جلوی عمل این قانون را نمیتواند بگیرد. این قانون حمایت از خانواده نیست که با اراده شاه مستقر شده باشد و با اراده شاه بتوان آن را تغییر داد یا لغو کرد.

وضع شدت نابسامان طبقه کارگر ایران وسیعای است در دست زمامداران مزدور کشور ما برای آنکه سرمایه های خارجی را به ایران جلب کنند. اگر در کشورهای صنعتی کارگران "بوسیله" اعتصابات، کم کارها و اضافه حقوق ها اقتصاد کشور را ضعیف میکنند" (همان جمله) کارگران ایرانی ساعات بیشتری در روز کار میکنند، مزد کمتری دریافت میکنند و اعتصاب آنها با گلوله پاسخ گفته میشود.

اما طبقه کارگر ایران، علی رغم فشار و اختناق، علی رغم حال سازمان امنیت در صفوف آن، به نبرد طبقاتی خود همچنان ادامه میدهد. این نبرد با پیدایش طبقه کارگر ایران آغاز شده و تا پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت. طبقه کارگر ایران دهها سال است که در عرصه کشور ما پدید آمده است و طی سالیهای متوالی با مبارزات درخشان خود در زمینه های اقتصادی و سیاسی به نیروی مهمی در جامعه تبدیل شده است. بهبودی نیست که شاه برای جلب این طبقه از "کارگران عزیز" دم میزند؛ بهبودی نیست که احزاب شمشاخته ایران نوین و مردم در بهبود وضع زندگی طبقه کارگر داد سخن میدهند. روشن است که کارگران ایران با تجربه خود، تجربه های که طی دهها سال مبارزه سخت و خونین بدست آمده، ماهیت شاه و رژیم او را خوب میشناسند و قریب تبلیغات دستگاه رانمیکشوند. بویژه که از این تبلیغات هیچ چیز عاید کارگران میهن مانده و نمیشود. علی رغم "سهی" که در سود کارخانه دارد، علی رغم "مشارکت در سهام کارخانه" درآمد او همچنان ناچیز و زندگی او همچنان سیاه است.

طبقه کارگر میهن ما پیوسته از نظر کیفی و کمیتی تکامل مییابد، یگانه طبقه ای است که تا پایان انقلابی است چون با انقلاب فقط زنجیرهای بردگی خود را از دست میدهد. همین خصائل انقلابی است که شاه و طبقات حاکمه را بوحشت می اندازد. رژیم شاه از تشکل کارگران میترسد، به تجمع آنها در اتحادیه های کارگری روی خوش نشان نمیدهد. به انواع فریبکاریها دست میزند تا وحدت کارگران را برهم زند و گروهی را در برابر گروه دیگر بگذارد. سازمان امنیت با دستهای خود کنترل شدیدی بر روی کارگران برقرار کرده است. اما این

مانورهای کهنه که در کشورهای سرمایه داری بههودگی خود را نشان داده اند در ایران نیز موثر نخواهند افتاد. چنانکه با وجود تمام این تشبیهات مبارزات طبقه کارگر ایران هرگز دچار وقفه نگردد. مبارزات کارگران میهن ما در دوران بعد از کودتا در برابر ما است.

این مبارزات خود رو است. کارگران ایران از اتحادیه های صنفی واقعی محرومند، فاقد حزب سیاسی خویش اند. فقدان حزب انقلابی طبقه کارگر آنچنان عارضه و عیبی است که ضرورت رفع آن اکنون بر تمام پیوندگان راه طبقه کارگر مانند روز روشن است. طبقه کارگر ایران برای مبارزه آگاهانه به خاطر رعایتی خلقهای ایران از یوغ امپریالیسم و ارتجاع آمادگی کامل دارد ولی چنین مبارزهای مستلزم احیاء حزب انقلابی طبقه است. احیاء حزب طبقه کارگر با توجه به وضع دشواری که در کشور ما حکمفرماست کاری بسیار دشوار است، طولانی است چه بسا در گامهای اولیه با ناکامی روبرو شود، ولی هیچیک از این مشکلات نباید مارکسیست - لنینیست ها را از انجام این وظیفه خطیر باز دارد یا آنها را از راه راست منحرف گرداند. با احیاء حزب مبارزات طبقه کارگر، مبارزات خلق های ایران شکل خواهد گرفت در مسیر صحیح خواهد افتاد و در راه مبارزه کام بر خواهد داشت.

سازمان ما از همان آغاز تاسیس خود وظیفه احیاء حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران وظیفه عمده خود قرار داده و در انجام آن از هیچ کوششی باز نایستاده است. هم اکنون درها تن از رفقای سازمانی ما که به احیاء حزب طبقه کارگر همت گماشته اند در زندانهای تاریک و مشقت بار شاه پست می برند. ما در این روز به این پیشگامان احیاء حزب طبقه کارگر صمیمانه درود فرستیم. خاطره آنها را پیوسته گرامی می داریم و یاد آنها را دنبال میکنیم.

در این لحظه دشوار کلبه سازمانها و عناصری که اکنون وجود حزب طبقه کارگر را در ایران وظیفه مهم و فوری می شمار باید سعی خود را در هم آمیزند و به اتفاق در راه انجام این وظیفه کام بردارند تا این کمبود جنبش کارگری ایران هرچه زودتر و سرعتر برطرف گردد.

خجسته باد اول ماه به، روز اتحاد و همبستگی بین - الطلی کارگران!
دردم به کارگران قهرمان ایران!
موفق باد مبارزات کارگران میهن ما!
سلام برادرانه به کلبه زندانیان سیاسی!
پیروز باد مبارزه مارکسیست لنینیست ها در راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران!

شاه وطنی شدن ... بقیه از صفحه ۳
علی رغم پایمال شدن قانون ۲۹ اسفند، بتاراج رفتن دستاوردهای بزرگ خلق های میهن ما، مردم ایران این روزها گرامی و خاطره آرازاننده نگاه میدارند. کارگران نفت این روزها سه ساله بحق جشن میکنند.

اما روز ۹ مرداد ۱۳۵۲ روزی است که انحصارهای بین الطلی برای مدتی بیش از ۴۰ سال دیگر یعنی تا غارت آخرین قطره، بر منابع نفت میهن ما تسلط یافتند. شاه با وقاحت ذاتی خود مدعی است که با ارضای قرارداد اخیر با کنسرسیوم ایران "این ثروت ملی خود را حقیقت در اختیار گرفت و ملی شدن صنعت نفت در ایران معنی حقیقی پیدا کرد" اما بلافاصله بیفزاید که "ولی در این قانون تعیین قیمت نفت در اختیار ایران نبود ... (از مصاحبه شاه کمپان اول دی ۵۲) از همین تکه میتوان به "معنی حقیقی" ملی شدن صنعت نفت پی برد. ایران "این ثروت ملی خود را حقیقت در اختیار گرفت" ولی تعیین قیمت آن نه با صاحب ثروت بلکه با "خریداران" است. این نوع شاهانه در اختیار گرفتن ثروت ملی ایست!

اما نه تنها تعیین قیمت نفت در اختیار ایران نیست فروش آن نیز از حدود اختیار ایران بیرون است. "تولید ایران در حال حاضر ۶ میلیون بشکه در روز است، اما از این میزان، ایران فقط ۷۵ هزار بشکه آنرا میتواند مستقیما در بازارهایی که خود پیدا میکند بفروشد، بقیه این نفت به کنسرسیوم سابق (۴۴) داده میشود. این کمپانیها بقیه در صفحه ۳

سویال . . . بقیه از صفحه ۴ خود را هرجا و هرطور که خواستند نصب میکنند سود های کلان میبرند و بدون رعایت هیچگونه قانونی آب و خاک و فضای اطراف را آلوده میسازند و این طبقات زحمتکش هستند که جهت برانداختن عوارض آلودگی که خود کوچکترین دخالتی در آن ندارند باید مالیات بپردازند در مبارزه با آلودگی محیط زیست نمونه درخشان جمعیت توده ای چین در جلوی چشم ما است . این کشور توانسته است علی رغم صنایع فراوان خود مسائل محیط زیست را به بهترین وجهی حل نماید . استفاده از پسمانده های صنعتی و کشاورزی و دامی ، صرفه جویی در حمل مواد اولیه از دریای به شهر و محصولات ساخته شده از شهر به ده ، برقراری وسایع عبور و مرور جمعی و حذف اتومبیل های فرسوده ، ایجاد جنگل بقیاس وسیع و اوظلخانه توسط سربازان و جوانان ، و . . . انضباط فردی در پاک نگاه داشتن محیط ، اینها همه موجب گردیده است که بتصدیق دوست و دشمن پاک ترین محیط زیست را در چین میتوان یافت .

آری آنجا که اندیشه های علمی مارکسیسم - لنینیسم راهنمای عمل است همه چیز پاک و منزه میماند و آنجا که این تکامل یافته ترین دانش بشری آلوده میگردد همه چیز از اخلاق و فلسفه گرفته تا تاریخ هنر و حتی آب و خاک و نفسا نیز به لجن کشیده میشود .

شاه ولی شدن . . . بقیه از صفحه ۴

هم اکنون قرارداد های ۲۰ ساله تضمین شده ای دارند . (کیهان اول دی ۵۲)

این چگونه طی شدنی است که ایران ثروتی را که مالک آنست باید اجباراً بدیگران تحویل دهد و با اجازت دیگران سهم ناچیزی از آن را در اختیار بگیرد و مستقیماً بفروشد . باید در نظر گرفت که صرف داخلی نفت ایران نیز از همین سهم تامین میشود . در قرارداد آمده است که ایران میتواند از سهم خود روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت بطور مستقیم بفروشد و در همین مقدار در داخل کشور بصرف برساند . ملی شدن واقعی باید حاکمیت ایران را بر نفت خود تامین کند ، اما در قرارداد خانثانه ۹ مرداد ، ایران حاکم بر ثروت خود نیست ، کمپانیهای نفتی هستند که تولید نفت را در اختیار دارند و قیمت آنها تعیین میکنند ، تنها سهم کوچکی از تولید را نیز به ایران وامیگذارند . چنین است ماهیت ملی شدن نفت در قاموس شاه ! قرارداد ۹ مرداد در واقع نفت ایران را کماکان در دست کسریوم باقی میگذارد . چنین روز ننگینی است که شاه آنرا جایگزین ۲۴ اسفند میکند و میخواهد آنرا همه ساله جشن بگیرد . شاه ایران از همان آغاز با قانون ملی شدن صنعت نفت موافق نبود ، ماه ها در " توشیح " آن تعلق ورزید تا شاید از این ستون به آن ستون فرجی باشد ، او با خلع بد از شرکت نفت جنوب و راندن امپریالیسم از ایران موافقت نداشت کوشید از اجرای قانون ۲۴ اسفند جلوگیری کند ، در برابر دولت دگسر صدق از هیچ کارشکی خودداری نورزید زیرا خوبی میدانست که هستی او ، سلطنت او وابسته به استیلای امپریالیسم بر ایران است . بیپرده نبود که با پیروزی خلق ایران به اروپا گریخت .

امروز بار دیگر کینه و دشمنی خود را با قانون ۲۴ اسفند آشکار میسازد . جشن روز ۲۹ اسفند را موقوف روز ۹ مرداد را جانشین آن میکند . شاه با این اقدام خود میخواهد حتی خاطره روز ۲۹ اسفند را از ذهن بردارد ، این پیروزی را از تاریخ مبارزات مردم مینماید محو کند . این اقدام شاه تراوش دیگری از ماهیت ضد خلقی و ضد ملی او است .

شاه با این اقدام از یکسو خط فاصلی میان خود و خلق ایران میکشد ، حساب خود را از حساب مردم مینماید جدا میکند تا بار دیگر کینه و دشمنی خود را با مبارزات مردم آشکار سازد ، چیزی که از نظر مردم مینماید هیچگاه پنهان نبود و پنهان نمانده است . از سوی دیگر سرسپردگی خود را به امپریالیسم و انحصارهای نفتی نشان میدهد . از روزی را جشن میگیرد که نفت ایران را بدست ۲۰ سال دیگر برای انحصار های نفتی تامین کرده است .

کوشش خانثانه شاه هرچه باشد تاریخ روز ۲۹ اسفند را از افتخارات خلق های ایران بحساب خواهد آورد و بر روز ۹ مرداد داغ ننگ خواهد کوبید .

گاهی مهم . . . بقیه از صفحه ۴ کند ، هزاران روزنامه . سریه و صد ها هزار تراکت و پیام منتشر سازند ، تظاهرات و اعتصابات علیه رژیم ترتیب دهند . مساعی کمیته هم آهنکی برای کرد آوردن توده ها و توسعه وحدت بر سه اساس استوار بود :

نخست اینکه وحدت فقط بر اساس چند اصل ، یک برنآ و چند هدف مشخص روشن که انحصار دهنده منافع تمام خلق است امثال پذیر میباشد . این وحدت در عمل در مبارزه با فاشیسم میتواند استحکام و عمق یابد .

دیگر اینکه اقلیت خاکه بهر جناحی که تعلق داشته باشد فاشیست است ، همه آنها متحد و تابع امپریالیسم امریکا میباشند بنابراین هیچگونه وحدت واقعی در خارج از چهارچوب مبارزه علیه اقلیت خاکه در مجموع آن ، علیه سلطه امپریالیسم امریکا و همچنین علیه سلطنت که ادامه آینده همین سیاست خواهد بود قابل تصور نیست .

سوم اینکه وحدتی دروین میگوید از وحدت واقعی جلو گیرد بنابراین باید مبارزه بی کبری علیه آن نقشه هائی صورت گیرد که خلق را بسوی اتحاد و همکاری با اقلیت خاکه با سایر بخشی از آن بی کشاند . این وحدت دروین در حال حاضر فقط به استحکام رژیم فاشیست یاری میرساند . باید کسانی را که چنین نقشه هائی در سری بروراند و برای اجرای آنها تلاش میکنند افشا کرد تا بخشی از توده ها در دام فریب آنها نیفتند .

کمیته های هم آهنکی در مناسبات خود بانسب و هائی دیگر ضد فاشیست که به این یا آن علت در وضعی نیستند که به جبهه پیوستند یا آنکه با این یا آن ننگه از برنامه و مطالبات جبهه موافقت نداشتند نزدیک شده و بعد از آن برداختند . این تظاهرات موجب گردید که در ننگات شخصی توافق حاصل شود و عملیات مشترکی صورت گیرد ، چیزی که بدون شک راه را در آینده برای ورود این سازمانها به جبهه هموار خواهد کرد .

در سطح بین المللی کمیته هم آهنکی با نیروهای ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی ، نیروهای دوست خلق اسپانیا مناسباتی برقرار کرد . این موضوع از اینجهت دارای اهمیت است که پشتیبانی و کمک خلق های جهان از اسپانیا در مبارزه با فاشیسم ضروری است . البته آزادی اسپانیا از یوغ فاشیسم بر امپریالیسم امریکا کار خلق اسپانیا است ، ولی این پشتیبانی و این کمک بیج سکوت را که امپریالیست ها و ارتجاع بزبان مبارزه خلق اسپانیا و بخصوص بزبان مبارزه و نفوذ جبهه ایجاد کرده اند در هم می شکند .

امپریالیسم امریکا از سرزمین اسپانیا بعنوان پایگاه نظامی بخاطر تامین منافع خویش و علیه منافع خلق های دیگر و از آن جمله خلق های کشورهای عربی استفاده میکند . بنا بر قرار داد های دو جانبه با فرانکو ، اسپانیا یکی از مهمترین پایگاه های نظامی امریکا در مدیترانه است ، امریکا در این کشور پایگاه های هوایی و دریائی ، پایگاه موشکی و قریب سی هزار سرباز امریکائی متمرکز کرده است . بر ارتش اسپانیا نظارت دارد ، آبهای اسپانیا در اختیار ناوگان ششم آنست و بطور خلاصه اسپانیا نقش استراتژیکی مهمی در دفاع از منافع امریکا در اروپا و خاور نزدیک بازی میکند .

امپریالیسم امریکا بر اقتصاد اسپانیا نیز تسلط دارد . صنایع مهم اسپانیا یا مستقیماً شعب انحصارهای بزرگ صنعتی امریکائی اند یا توسط شرکتهای مختلط با سرمایه های ملی ایجاد شده اند . انحصارهای امریکائی هم اکنون مهم ترین - شعب صنایع : صنایع آهن و فولاد ، صنایع الکتریکی ، تلفن ، رادیو و تلویزیون ، صنایع الکترونیک ، صنایع اتومبیل ، صنایع نفت ، شیمیائی و داروئی و غیره را در اختیار دارند . انحصارهای امریکائی از اینجهت به اسپانیا روی آوردند که دستمزدها را کم کنند و در آنجا پائین است و اقدامات شدیدی برای جلوگیری از افزایش دستمزدها بعمل میاید ، مبارزات کارگران سرکوب میشود زمین های وسیعی از دهقانان در اختیار آنان قرار میگیرد . شرایط بسیار مساعدی برای فرار آنها از پرداخت مالیات فراهم است و . . . روشن است که در چنین شرایطی امریکا کاملاً علاقمند به حفظ فاشیسم و سرکوب طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در این کشور است .

اگر اسپانیا منطقه نفوذ امریکا است و دولت اسپانیا

نوکردست نشاند ، امریکائیست ، معدنک امپریالیسم های دیگر مانند امپریالیسم فرانسه ، آلمان و روسی سهم خود را در اسپانیا از امپریالیسم امریکا می طلبند و میوشند نفوذ خود را در این کشور توسعه میدهند .

بر اساس فعالیت سه ساله و تشکیل کمیته های هم آهنکی در نواحی مختلف در ۶ زانویه امسال کفرانسیس جبهه تشکیل گردید که تا سه جبهه ضد فاشیست و سپینی (فرانس) را رسماً اعلام کرد . روشن است که اعلام جبهه هدف نیست و فقط مرحله نوبتی را در جریان مبارزه می کشاید ، مرحله ای که باید کوشش بیشتری برای گرد آوردن توده های مردم در این جبهه بعمل آورد ، مبارزه علیه رژیم دست نشاند امپریکائیست کرد و توسعه داد . در گزارش به کفرانسیس گفته میشود :

" جبهه " انقلابی ضد فاشیست و سپینی را از پائین به بالا و از بالا به پائین بسازیم یعنی بطور عمده بر توده های وسیع غیر متشکل بعنوان نیروی عمده تکیه کنیم . اما در کار خود از نظر فروتنی که به نیروها و شخصیت های سیاسی متشکل که واقعاً میخواهند علیه فاشیسم و سلطه امریکا بوزند بر اساس هدفهای جبهه نزدیک شویم ، حتی یک لحظه هم فراموش نکنیم که طبقه کارگر در اتحاد با دهقانان تنگدست و قشرهای دیگر زحمت کشان در شهر و ده ، نیروی اساسی در امر جبهه است . ما میتوانیم و باید همراه با طبقه کارگر قشرهای غیر پرلتری خلق را متشکل و بسیج کنیم . "

در گزارش همچنین گفته میشود که امروز برای رهائی بشریت از یوغ امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم امریکا برای جلو گیری از تقسیم جهان میان دو ابر قدرت هیچ راهی جز مبارزه مسلحانه خلق ها ، جز جنگ توده ای وجود ندارد . این حقیقت باید هرچه بیشتر در توده های مردم جهان رسوخ کند .

کفرانسیس در ریاض خطاب به سازمانهای جبهه و توده های مردم خلق های اسپانیا از آنها خواست که مسلحی و فعالیت خود را در پیرامون سه مسئله اساسی متمرکز سازند : مبارزه از طریق اعتصاب عمومی انقلابی علیه توطئه بازگشت سلطنت ، علیه اعلام خوان کارلوس بعنوان پادشاه آینده اسپانیا و ادامه دهنده فرانکیسم بدون فرانکو .

مبارزه علیه فشار و اختناق وحشیانه ، علیه شکنجه ، مبارزه بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی بدون هیچگونه تبعیض مبارزه علیه گرانی هزینه زندگی و بخاطر حقوق توده های زحمتکش .

بدین ترتیب سازمانها و احزاب انقلابی اسپانیا با آموختن از تاریخ انقلابی خویش و در انطباق با اوضاع و احوال جدید برای مبارزه با فاشیسم فرانکو و امپریالیسم امریکا نیروی خود را در جبهه انقلابی ضد فاشیست و سپینی در هم آمیختند . سه سال تجربه نشان میدهد که این اقدام بسود مبارزه انقلابی و در خدمت آزادی خلق های اسپانیا است .

با موفقیت بازم بیشتر این جبهه را در راه نیل به اهدافی خویش صمیمانه آرزومندیم .

هر که خواهد گویا و هر . . .

اینست شعار رژیم کودتا در تاراج کشور ما .

باین نوشته " تهران اکنون بیست توجه کنید : "مانند سبب متناسبی از حمل و نقل زمینی بین ایران و معالک خارج نمرد و این که بارها دیده شده است که شرکت های خارجی حتی در داخل کشور ما به حمل و نقل پرداختند و با اینکه کارک نفر خارجی در داخل کشور ما مستلزم اخذ اجازت و پروانه مخصوص میباشد کامیون های خارجی بدون هیچ مقررات و محدودیتی آند و اند در داخل کشور ما با کامیون های ایرانی بر رقابت پرداختند .

. . . اکثر کشی های ما بوسیله ملوانان خارجی از دست رفت تهران اکنون بیست ۹ اردیبهشت ۱۳۴۹

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

پیروز باد مبارزه مارکسیست - لنینیست های ایران در راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران !

از تجربه دیگران بیاموزیم

گامی مهم در مبارزه با فاشیسم فرانکو

که توده‌های وسیعی متحداً به مبارزه علیه رژیم فاشیستی فرانکو و امپریالیسم آمریکا برخاستند. هیئت‌های نمایندگی تعداد کمی از سازمانهای سیاسی و توده‌های تصمیم گرفتند که توده‌های - استشارشونده و مستعبده کلیه خلق‌های اسپانیا را با سلاح اتحاد و مبارزه مجهز سازند و جبهه واحدی مرکب از نیروهای انقلابی بوجود آورند. از همان موقع کمیته‌های بنام کمیته هم-آهنگی بر اساس یک برنامه شش‌ماه‌ای تأسیس گردید که پایه‌های ایجاد جبهه قرار گرفت. این برنامه شامل نکات زیر بود:

- ۱- واژگون ساختن دیکتاتوری فاشیستی و راندن امپریالیسم یانکی از طریق مبارزه انقلابی.

- ۲- استقرار جمهوری توده‌های فدراتیو که آزادیهای دموکراتیک را برای قاطبه خلق و حقوق اقلیت‌های ملی را تضمین کند.

- ۳- ملی کردن اراضی انحصارهای خارجی و صادرات اموال اقلیت حاکمه.

- ۴- رفرم ارضی عمیق بر اساس صادرات زمین‌های مالکین بزرگ ارضی.

- ۵- محور آثار ناشی از سیاست استعماری اسپانیا.
- ۶- تشکیل ارتشی که در خدمت خلق باشد.

تشکیل کمیته هم‌آهنگی با استقبال سازمانهای انقلابی در سراسر کشور روبرو گردید. بر اساس رهنمودهای این کمیته در همه جا، در درون کشور و در میان اسپانیایی‌های مهاجر، این سازمانها در سطح محلی با یکدیگر متحد شدند و کمیته‌های محلی جبهه را ایجاد کردند؛ حتی در درون زندانها در میان زندانیان سیاسی هسته‌ها و کمیته‌هایی پدید آمد. ظرف سه سال این کمیته‌ها توانستند کارگران و دهقانان بزنان و جوانان را در پیرامون کمیته‌ها بسیج بقیه در صفحه ۳

زمانی یکی از مبارزان انقلابی درون کشور بحق اختلافات و کشمکشهای سازمانهای خارج از کشور را مورد نگرش قرار داده بود. در واقع مناسبات نامطلوبی که میان سازمانهای ضد رژیم در خارج از کشور وجود دارد قابل نگرش است. این سازمانها همه در نبرد با رژیم شاه یکرأی و یکره‌اند همه در سنگر مبارزه علیه رژیم شاه و حامیان امپریالیستش می‌ریزند، اما در این مبارزه مشترک میان آنها اتحاد و هم‌آهنگی نیست اختلاف و کشمکش است که حتی تا سرحد خصومت و دشمنی پیش می‌رود. هر مبارز واقعا انقلابی از خود می‌پرسد دلیل این نفاق در کجا است. شاید بتوان آنرا در اختلاف نظر درباره مسائل مربوط به گذشته و حال جستجو کرد. البته چنین اختلاف نظرهایی وجود دارد، انکار آن نغی واقعیت است. اما وحدت نظر در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم آنچنان زینهای است که میتواند لایح همبستگی و همکاری سازمانهای خارج از کشور را فراهم آورد و مبارزه مشترک را هم‌آهنگ سازد. بنظر ما تفرقه و نفاق موجود بسود مبارزه انقلابی نیست بوجهی زودتر بدان پایان داده شود به صلاح جنبش انقلابی خلق‌ها میهن ما و بزبان دشمنان خلق است. سازمان ما امید دارد این تذکر صمیمانه و صادقانه مورد توجه همه سازمانهای خارج از کشور قرار گیرد.

ما در زیر تجربه انقلابیون اسپانیا را در ایجاد جبهه میهنی ضد فرانکو و ضد امپریالیسم آمریکا از نظر خوانندگان می‌گذرانیم. البته صحبت بر سر دادن الگو نیست، الگو برداری کار مبارزه خلاق نمیتواند باشد؛ ولی بدون شک از این تجربه میتوان آموخت و باید آموخت.

سه سال پیش در جریان محاکمات بورگوس، در زمانی

غارت نواستعماری

بابت قریب ۶۴ میلیون دلار خواهد بود.

"منابع گاز طبیعی افغانستان بطور کلی توسط تکنیسین-های شوروی و تحت یک برنامه توسعه یافته است. این چاه-ها در منطقه شیبارقان حفر شده و گازهای حاصله مستقیماً از روی رودخانه سیحون به شوروی فرستاده میشود. تنها رسی که افغان‌ها در این برنامه دارند رانندگی کامیونهای حمل گاز است زیرا کلیه کارهای فنی را افراد و کارشناسان روسی که در قرارگاهی زندگی میکنند انجام میدهند."

آلودگی هوا و جلب سرمایه خارجی

شاه ایران با "تسوع" خود پیوسته عوامل تازه‌ای برای جلب سرمایه‌های خارجی به ایران پیدا میکند و اکنون در کنار "ثبات و امنیت"، "دستبرد ارزان"، "منوعیت اعتصاب برای کارگران و کلیه تسهیلات گمرکی، مالی و مالیاتی عامل تازه‌ای یافته است و آن آلودگی محیط زیست در کشورهای صنعتی است.

در پاسخ سؤال خبرنگار اسپینگ که چه روشی را به کشورهای صنعتی غرب پیشنهاد میکنید میگوید: "پیدا کردن سایر منابع انرژی. شما چرا زغال سنگ خودتان را استخراج نمیکند؟ شما در باره آلودگی صحبت میکنید در اینصورت چرا اینهمه صنایع در کشور-تان مجتمع میسازید؟ برای وسعتی که دارید بسیار زیاد است. من از شما دعوت بعمل میآورم به کشور من بیایید. ما برای کارخانه‌هایی که زغال سنگ یا نفت میسوزانند و ایجاد آلودگی خواهند کرد وسعت بسیار زیادی داریم."

(کیهان ۲۴ دی ۵۲)
این نوکر پست که همه نعمات زندگی را از توده‌های مردم میهن ما ربوده، همه حقوق سیاسی و اجتماعی را از آنها سلب کرده است حتی استنشاق هوای نسبتاً سالمی را نیز به آنها نمیتواند به بیند.

"شوروی از فروش دوباره نفتی که از عراق و سایر کشورهای عربی میخرد سودی برابر با سیصد درصد میدهد این نفت را شوروی در چارچوب قرارداد فروش اسلحه و مهمات از عراق خریداری میکند."

"طبق گزارش "دیپلوماسی" یک رقم نفتی که شوروی از عراق خریده شش میلیون لیتر استرلینگ است و حتی قبل از تحویل، تمامی آن را ب مبلغ ۱۸ میلیون لیتر استرلینگ به آلمان غربی فروخت."

"عراق مهمترین منبع تامین نفت وارداتی شوروی است. قرارداد فروش نفت بین دو کشور، چند سال پیش با قیمت هائسی پائین تراز بهای فعلی نفت منعقد شد، در حالی که بیشتر مواقع حتی در این قیمت (بخاطر برنامه ککهای نظامی و اقتصادی شوروی به عراق) تخفیف داده میشود."

"دولت شوروی گاز ایران را در هر روز خود از هزار هزار متر مکعب ۶/۱۵ دلار میخرد ولی گاز را به کشور اتریش از قرار هر هزار متر مکعب ۱۵ دلار در مرز آن کشور میفروشد. اینسک اگر سود خالص او را از قرار هزار متر مکعب ۸ دلار حساب کنیم چون قرار است که ایران سالیانه ۸ میلیارد متر مکعب گاز به شوروی تحویل دهد غارتگری ریزیزینست‌های شوروی از این

بررسی واقعیت

"بررسی منظم و دقیق واقعیت پیرامون بعنوان وظیفه در برابر سراسر حزب گذاشته شود... وظیفه اساسی ارگان‌های رهبری دو چیز مهم است: یکی شناخت اوضاع آنطور که هست و دیگر درست بکار بستن سیاست؛ اولی شناخت جهان و دومی تغییر آن. رفقای ما باید دریابند که هرگز تحقیق نکرده است حق سخن ندارد... اگرند ۴۴ وضع تبلیغات دشمنان ما، دوستان ما و خود ما چگونه است نخواهیم توانست سیاست درستی اتخاذ کنیم"

مائوتسه دون

سوسیالیسم امپریالیسم

شوروی و دریای خزر

"خزر در میبورد. این دریا اگر آلودگی ادامه یابد زمانی طولانی عمر نخواهد داشت... کارشناسان مرگ این دریا را حداکثر تا سال ۲۰۰۰ تعیین کرده اند یعنی تا ۲۶ سال دیگر" (کیهان ۱۳ بهمن)

"بگفته این محافظ (آگاه) آلودگی دریای خزر بیشتر ناشی از صنایع اتحاد شوروی است... بر اساس محاسباتی که صورت گرفته روشن شده است که در هر سال قریب یک میلیون تن نفت خام و بیش از ۱۰۰ هزار تن اسید سولفوریک وارد آبهای خزر میشود... در عرض ۳۷ سال اخیر صید ماهی از دریای خزر از ۳۰۰ میلیون کیلوگرم رسال به ۱۰۲ میلیون کیلوگرم در سال تنزل کرده است" (کیهان ۲۴ دی)

نویسنده کیهان بدنبال این شکوه تلخ می‌افزاید: عواملی که از سوی شوروی آلودگی حاضر در دریای خزر بوجود آورده در کمیته‌ای که مرکب از کارشناسان و کشورهای تشکیل گردیده بود به این شرح گزارش شد: ۱- آلودگی‌هایی که از رودخانه ولگا وارد خزر میشود. ۲- آلودگی‌های ناشی از کانال ولگا - دن. ۳- آلودگی‌های مربوط به عبور کشتیهای فرسوده از دریای خزر. ۴- موادی که از نفتکشهای شوروی هنگام عبور از خزر وارد دریای خزر میشود. ۵- چاه‌های نفت واقع در کرانه‌های شمالی خزر."

این تنها دریای خزر نیست که به زباله‌دان سوسیالیسم امپریالیست‌های شوروی بدل گشته است، آنها امروزه میبایستی امپریالیست‌های امریکائی، اروپائی و ژاپنی با آکنده ساختن فضا از مواد شیمیائی، دود و گازهای سموم، با ریختن تفاله‌های رادیو اکتیو، فاضلاب شهرها و مازاد کارخانه‌جات خود به دریاهای رودخانه‌ها، با نسبت و شوی مخازن گشتی‌های نفت‌کش در اوقیانوس‌ها و غیره در سراسر جهان رودخانه‌ها، دریاها و خاک و عوارض با سموم کوناگون بی‌انبارند و نه تنها مردم کشورهای خویش بلکه تمام کره زمین را مورد تهدید قرار میدهند.

ممکن است گفته شود که آلودگی محیط زیست امری است تکنیکی، اجتناب‌ناپذیر و محصول بی‌برو برکرد صنعتی شدن کشورها. اما مسلماً حل مسائل مربوط به آلودگی محیط زیست برای انسانی که بکره ماه میبورد، برای انسانی که به این درجه از رشد علم و تکنیک رسیده چندان دشوار نیست. اما آنجا که تولید بر سود متکی است و آنجا که تنظیم برنامه‌های اقتصاد و اجتماعی بر مبنای منفعت هرچه بیشتر مشتی سرمایه‌دار صورت میگیرد یا بعبارت دیگر آنجا که منافع اکثریت عظیم خلق فدای سود ورزی اقلیتی کوچک میگردد چنین امری امکان‌پذیر نیست و نخواهد بود.

آری آلودگی محیط زیست بر خلاف ترهات دانشمندان ریزه خوار سفره سرمایه‌داری به هیچوجه مسئله تکنیکی اجتناب‌ناپذیر و ناشی از صنعتی شدن کشورها نبوده و مانند هر پدیده انسانی دیگر به زیر بنای اقتصادی هر کشور بستگی دارد درست بهمان دلیل که قبل از انجام دگرگونی‌های کامل سیاسی و اقتصادی و از میان برداشتن اختلافات طبقاتی هرگز نمی‌توان با وضع قوانین گوناگون و کمک ادارات عربی و طولی و توطئه به موعظه و نصیحت و درس اخلاق جلوی افزایش فحشا، جنایات، دزدی‌ها، فساد و حقی‌گشی را گرفت بهمان دلیل در کشورهای سرمایه‌داری و ریزیزینستی تا زمانی که تولید بر سود متکی است، ایجاد موسساتی برای سالم کردن محیط زیست، اختصاص بودجه‌های کلان به این امر و وضع قوانین خاص‌کاری از پیش نخواهد برد و از افزایش آلودگی محیط زیست نخواهد کاست. بودجه‌هایی که به این موسسات اختصاص مییابد در حقیقت وسیله تازه‌ای است در دست دولت‌های سرمایه‌داری جهت اخذ مالیاتهای جدید از طبقات زحمتکش. در کلام آخر این سرمایه‌داران هستند که کارخانه‌های بقیه در صفحه ۳

موفق باد مبارزات کارگران ایران!

پیکار کنیم

برای فراز آوردن نوروز خلق ایران

نوروز خلق ایران روز سرنگونی رژیم محمد رضاشاهی است .

رژیم محمد رضاشاهراکه برسیاهترین نیروها ، برتبهکاری سازمان امنیت ، بر ارتش ویلیس و ژاندارمری ، بر امپریالیست ها و رراس آنها امپریالیست های امریکائی ، و بر سوسیال امپریالیست های شوروی تکیه دارد جز با پیکار مسلحانه نمیتوان سرنگون ساخت .

فقط حزب طبقه کارگر میتواند ارتش خلق را ، مرکب از کارگران ، دهقانان ، روشن فکران انقلابی و همه میهن پرستان ، بسیج کند و در جنگی طولانی به پیروزی رهنمون شود .

احیا 'حزب طبقه کارگر در عرصه ایران وظیفه' مبرم و مقدس ماست .

هدیه : توفان - نوروز ۱۳۵۳



خلق دلیر ایران در روز ۲۶ و ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ مجسمه های منحوس محمد رضا شاه فراری را منهدم میساخت .